

عوامل انسجام در سوره زلزال (بر اساس نظریه هالیدی و حسن)

احمد پاشا زانوس*

دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه بین‌المللی قزوین، قزوین، ایران

مریم نبی پور**

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه بین‌المللی قزوین، قزوین، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۲۷)

چکیده

یکی از زیرمجموعه‌های علم زبان‌شناسی تحلیل گفتمان است. منظور از گفتمان، متن است که در واقع، ترکیبی از جمله‌های مختلف برای رساندن یک مفهوم یا یک اندیشه می‌باشد. در تحلیل گفتمان، زبان از جنبه‌های مختلف بررسی می‌شود که یکی از آن‌ها بررسی عوامل انسجام است. انسجام، نظریه و الگویی است که به بررسی عواملی می‌پردازد که اجزای تشکیل‌دهنده متن را به هم مرتبط می‌سازد و سبب هماهنگی آن می‌شود. در واقع، یک گفتمان یا یک متن زمانی شکل می‌گیرد که روابط منطقی مناسبی در بین اجزای تشکیل‌دهنده آن برقرار باشد و نظریه انسجام به دنبال کشف این روابط است. نظم و انسجام در قرآن کریم از دیرباز مورد توجه اندیشمندان جهان اسلام بوده است و علما از گذشته تاکنون به دنبال اثبات و کشف این نظم و پیوستگی آیات قرآنی و سوره‌های آن به روش‌های گوناگون بوده‌اند. برخی از شرق‌شناسان نظم و انسجام در قرآن را انکار کرده، آن را سست شمرده‌اند، در صورتی که هر سوره‌ای به عنوان متن و همه سوره‌ها با یکدیگر در نهایت انسجام هستند. این انسجام حتی در کوتاه‌ترین سوره‌ها در بالاترین حد ممکن است. برای اثبات این امر، این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس نظریه هالیدی و حسن به بررسی عوامل انسجامی در سوره کوتاه «زلزال» پرداخته‌ایم و به این نتیجه رسیدیم که انسجام در این سوره در هر سه سطح واژگانی، دستوری و پیوندی دیده می‌شود که در سطح واژگانی، تکرار و در سطح دستوری، ارجاع بیشترین نقش را در این انسجام دارند. همچنین، بر اساس مراجع ضمائر و تکرار مشخص شد که این سوره از دو موضوع زمین و حوادث آن در پنج (۵) آیه اول و انسان و سرنوشت او در سه آیه آخر صحبت می‌کند.

واژگان کلیدی: زبان‌شناسی، تحلیل گفتمان، انسجام، قرآن کریم، سوره زلزال.

* E-mail: pasha@hum.ikiu.ac.ir (نویسنده مسئول)

** E-mail: ezmaryam9487@gmail.com

مقدمه

تجزیه و تحلیل گفتمان یکی از گرایش‌های جدید علم زبان‌شناسی است. این شاخه جدید در دهه‌های اخیر توانسته است توجه بسیاری را به خود جلب کند که هدف عمده آن، این است که فن و روش جدیدی را در مطالعه متون، رسانه‌ها، فرهنگ‌ها، علوم، سیاست، اجتماع و مواردی مانند آن به دست آورد. بنابراین، تحلیل گفتمان جزو روش‌های تحقیقی کیفی بوده که برای کشف معنای به کار رفته در متن یا سخن به کار می‌رود و از آن در زمینه‌های مختلف مانند سیاست، رسانه‌ها و... استفاده می‌شود. آنچه در همه تعاریف از گفتمان، مشترک است، اینکه گفتمان واحد بزرگتر از جمله است (ر.ک؛ باغینی‌پور، ۱۳۷۵: ۱۷). در واقع، در تحلیل گفتمان، متن به عنوان عنصری فراتر از جمله بررسی می‌شود. منظور از متن، جمله یا جمله‌هایی است که خواننده یا شنونده با خواندن یا شنیدن آن به معنای خاص و مفهومی در ذهن خود دست می‌یابد. اجزای یک متن به گونه‌ای به هم مربوط هستند و برای هدف خاصی در کنار هم قرار می‌گیرند. سخن‌کاوی و تحلیل گفتمان، اصطلاحاتی در علم زبان‌شناسی هستند که به توصیف کلام مرتبط و پیوسته معنی‌دار بزرگتر از جمله، شناخت پیوندهای درونی متن و ارتباط داخلی بین بخش‌های گوناگون و اجزای متن می‌پردازند (ر.ک؛ امیری خراسانی و علی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۷). به طور کلی، زبان‌شناسان در تحلیل گفتمان برای «متن» هفت ویژگی را برمی‌شمرند: ۱- انسجام. ۲- پیوستگی معنایی. ۳- قابلیت پذیرش. ۴- قصدمندی. ۵- ویژگی اطلاعاتی. ۶- ویژگی موقعیتی. ۷- ویژگی درون‌متنی (ر.ک؛ آقاگل‌زاده و افخمی، ۱۳۸۳: ۹۱). از میان این هفت ویژگی، پیوستگی و انسجام مربوط به خود متن، و بقیه مربوط به ارتباط و تعامل متن و خواننده با هم هستند. متن تنها از یک یا چند جمله تشکیل نشده که معنا یا پیام معینی داشته باشد، بلکه در داخل متن روابط معینی که بین جمله‌ها برقرار است، آن را تشکیل می‌دهد. در مطالعات سخن‌کاوی، مجموعه این روابط بین جمله‌ای که آفریننده متن است، انسجام متنی نامیده می‌شود (ر.ک؛ لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۱: ۱۰). در واقع، برای فهم و تحلیل متن فقط معنای جملات و واژه‌ها کافی نیست، بلکه توجه به روابط این عناصر با یکدیگر نیز لازم است؛ به‌ویژه اینکه در بعضی موارد، برخی از عناصر متن جز با

توجه به رابطه با عناصر دیگر تحلیل نمی شوند (ر.ک؛ ولیی و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۰). پس انسجام و پیوستگی لازمه متن یا همان گفتمان است و اساساً بدون انسجام، متنی نیز وجود نخواهد داشت. نظریه انسجام را اولین بار «هلیدی و حسن» در زبان معیار انگلیسی مطرح کردند. در واقع، انسجام به مناسبات معنایی اشاره دارد که به کلام یکپارچگی و وحدت می بخشد و آن را به مثابه یک متن، از مجموعه‌ای از جملات جداگانه و نامربوط متمایز می کند (ر.ک؛ مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۶۳). هلیدی و حسن معتقدند که انسجام به کلیه رابطه‌هایی اطلاق می شود که عنصری از یک جمله را به عناصر جملات قبلی مرتبط می کند (ر.ک؛ همان: ۳۰). این نظریه اولین بار برای تحلیل عوامل انسجامی در زبان انگلیسی به کار رفت، اما بر همه زبان‌ها تطبیق می شود، با این تفاوت که ممکن است الگوهای انسجام از زبانی به زبان دیگر مختلف باشد. عوامل انسجام از نظر هلیدی و حسن به سه دسته واژگانی (ر.ک؛ تکرار و باهم آبی)، دستوری (ارجاع، جایگزینی و حذف) و پیوندی (حروف ربط) تقسیم می شوند و بررسی این عوامل در هر زبانی ممکن است (ر.ک؛ همان). در واقع، این روش به گونه‌ای طراحی شده که انسجام و هماهنگی یک متن را در همه عرصه آن (دستوری و لغوی) به روشنی به تصویر می کشد و تجربه‌های موفقیت آمیزی از آن در زمینه قرآن کریم در دسترس است. قرآن کریم به عنوان بزرگترین معجزه خداوند، نظر زبان‌شناسان زیادی را به خود جلب کرده است. این معجزه الهی با اینکه در طول ۲۳ سال نازل شده، از همه نظر در غایت انسجام و هماهنگی است. نه تنها هر سوره بنا بر محتوا و موضوع خود به عنوان یک متن در نهایت انسجام است، بلکه تمام سوره‌ها نیز منسجم و هماهنگ هستند. این هماهنگی در کوتاه‌ترین و بلندترین سوره‌های آن به زیبایی به چشم می خورد. سوره زلزال با وجود اینکه یکی از سوره‌های کوتاه قرآن کریم است، انسجام بسیار بالایی دارد. این پژوهش به بررسی عوامل انسجام در این سوره می پردازد تا نشان دهد حتی سوره‌های کوتاه قرآن نیز در نهایت هماهنگی و پیوستگی می باشد.

۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی در زمینه انسجام قرآن، در قالب پایان‌نامه و مقاله وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- «عوامل انسجام متنی در سوره نوح» (۱۳۹۵) نوشته یونس ولیی، سید محمود میرزایی‌الحسینی و محمد فرهادی که در این پژوهش عوامل انسجام در سوره نوح بررسی شده‌است.

۲- مقاله «مقایسه کاربرد عوامل انسجام در سوره اعلی و ترجمه آن از صفارزاده» نوشته معصومه نعمتی و طاهره ایشانی (۱۳۹۴) که در این مقاله، نویسندگان ابزارهای آفریننده انسجام متنی در سوره اعلی و ترجمه آن از صفارزاده را بررسی و مقایسه کرده‌اند.

۳- پایان‌نامه کارشناسی ارشد «بررسی انسجام دستوری و واژگانی سوره هود با تکیه بر نظریه هالیدی و حسن (۱۳۹۳)» نوشته معصومه رحیمی که چنانچه از عنوان نیز مشخص است، عوامل انسجام در سوره هود در دو سطح واژگانی و دستوری انجام شده‌است.

معمولاً پژوهش‌هایی که به بررسی عوامل انسجامی در سوره‌های قرآنی پرداخته‌اند، در سوره‌های بلند و متوسط بوده‌است و این عوامل در سوره‌های کوتاه به نمایش گذاشته نشده‌است، در حالی که این هماهنگی به‌زیبایی در کوتاه‌ترین سوره‌ها نیز در بالاترین حد ممکن خود می‌باشد که به اثبات این امر در سوره کوتاه زلزال خواهیم پرداخت.

۲. ضرورت پژوهش

نظم و هماهنگی قرآن کریم از همان آغاز اسلام تاکنون نظر اندیشمندان زیادی را به خود جلب کرده‌است و علمای بسیاری در صدد اثبات این هماهنگی هستند، ولی عده‌ای از شرق‌شناسان این هماهنگی و انسجام را انکار می‌کنند و آن را بی‌نظم دانسته‌اند؛ مثلاً بارتلمه می‌گوید:

«اگر بخواهیم به اخبار مربوط به ترتیب نزول سوره‌ها مراجعه کنیم، درخواستیم یافت که روایات وارده در باب ترتیب سوره بسیار مضطرب و لرزان است. اگر بخواهیم آیات داخل یک سوره را هم بررسی کنیم، به این مشکل برخوردیم خورد که برخی مکی و برخی مدنی هستند. آنچه از میان تمام اخبار مغشوش و مشوش، یقینی است، اینکه محمد^(ص) با مرگ غافلگیر شد و فرصت گردآوری نیافت» (خوش منش، ۱۳۸۹: ۳۵).

«ریچارد بل»، مستشرق اروپایی نیز قرآن را غیرهماهنگ می‌داند و می‌گوید: «یکی از ویژگی‌های اصیل سبک قرآن این است که دسته‌جسته است. به ندرت می‌توان در طول بخش عمده‌ای از یک سوره، اتساق و انسجام معنایی مشاهده کرد» (ر.ک؛ خرمشاهی، ۱۳۷۴: ۴۵). از همین جا ضرورت چنین پژوهش‌هایی روشن می‌شود تا با اثبات انسجام و هماهنگی قرآن چنین حرف‌هایی درباره قرآن باطل گردد و معجزه آن آشکار شود.

۳. انسجام در سوره زلزال

عوامل انسجام که از نظر هالیدی و حسن به سه بخش دستوری، واژگانی و پیوندی تقسیم می‌شود، هر سه در سوره زلزال وجود دارد و بخش‌های مختلفی دارد که بدان‌ها می‌پردازیم.

۳-۱. انسجام دستوری

انسجام دستوری به سه دسته ارجاع، حذف، جایگزینی و جانشینی تقسیم می‌شود.

۳-۱-۱. ارجاع

گاهی تعبیر و تفسیر برخی واژگان در متن نیازمند تعبیر و تفسیر واژگانی دیگر در همان متن است و برای فهم آن باید به سراغ مراجع آن‌ها برویم (ر.ک؛ احمدی و استواری، ۱۳۹۰: ۱۲). ارجاع در متن با ضمیر، اسم اشاره و اسم موصول صورت می‌گیرد و به دو صورت پیش‌مرجع و پس‌مرجع است. در ارجاع پیش‌مرجع، واژه مرجع‌دار (ضمیر، اسم اشاره و اسم موصول) پس از مرجع خود قرار می‌گیرد و در پس‌مرجع، واژه

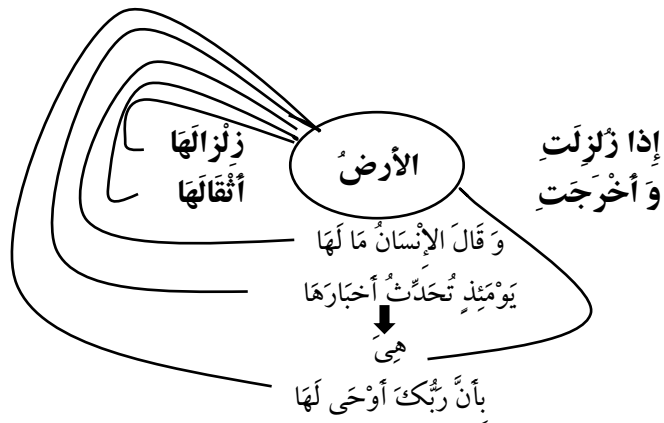
مرجع دار قبل از مرجع خود واقع می‌شود. ارجاع از شایع‌ترین ابزار انسجام متنی در زبان عربی به شمار می‌رود و با برقراری رابطه بین کلمات و جملات مختلف نقش بسزایی را در انسجام متنی ایفا می‌کند (ر.ک؛ الزناد، ۱۹۹۳م: ۱۱۹). ارجاع یا درون‌متنی است یا برون‌متنی و در ارجاع برون‌متنی، مرجع خارج از متن وجود دارد و فاقد انسجام بخشی است (ر.ک؛ یاحقی و فلاحی، ۱۳۸۹: ۳۳۱). ارجاع در سوره زلزال، ۱۶ بار به صورت ضمیر و ۲ بار به صورت اسم موصول و به صورت درون‌متنی و پیش‌مرجع به کار رفته‌است:

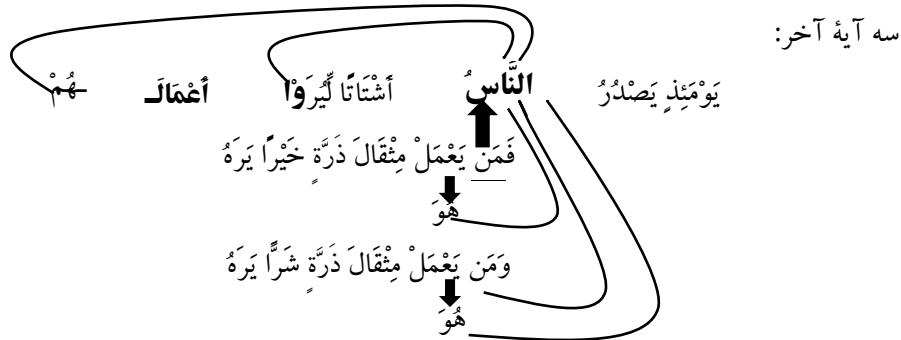
مرجع ضمائر	ضمائر
الأرض	«ها» در «زلزالها»
الأرض	«ها» در «أثقالها»
الأرض	«ها» در «مالها»
الأرض	«هی» در «تحدثت»
الأرض	«ها» در «أخبارها»
پیامبر ^(ص)	«ک» در «رَبِّک»
ربّ	«هو» در «أوحی»
الأرض	«ها» در «لها»
ناس	«واو» در «یروا»
ناس	«هم» در «اعمالهم»
مَنْ	«هو» در «یعمل»
مَنْ	«هو» در «یره»
أعمال	«ه» در «یره»
مَنْ	«هو» در «یعمل»
مَنْ	«هو» در «یره»
أعمال	«ه» در «یره»

موصول	مرجع
مَنْ	النَّاسِ
مَنْ	النَّاسِ

مرجع ضمایر و تکرار، محور و موضوع یک متن را مشخص می کند. طبعاً اگر کسی بخواهد درباره چیزی صحبت کند، ناخود آگاه اسم آن را بسیار تکرار و یا به صورت های مختلف بدان اشاره می کند. بر اساس همین، ضمایر و تکرار دو واژه «الأرض» در دو آیه اول - که در قسمت انسجام واژگانی بدان خواهیم پرداخت - محور و موضوع سوره در ۵ آیه اول، زمین و حوادث مربوط به آن می باشد، اما در سه آیه بعد که مرجع بیشتر ضمایر، انسان، مردم و اعمال است، محور و موضوع آن، انسان و سرنوشت اوست. در نمودار زیر، انسجامی را می بینیم که ضمایر ایجاد کرده اند و به تعیین محور سوره منتهی شده اند:

پنج آیه اول:





۲-۱-۳. جایگزینی

در جایگزینی، یک عنصر زبانی به جای عنصر زبانی دیگر می‌نشیند؛ یعنی ممکن است یک واژه یا یک عبارت، جایگزین یک واژه، عبارت یا یک بند دیگر در یک متن شود. این ابزار انسجامی دو بار در سوره زلزله و به دو صورت زیر به کار رفته است.

۱-۲-۱-۳. اسم جای اسم

واژه «الناس» در آیه ﴿يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوَّاْ أَعْمَالَهُمْ﴾ جایگزین واژه «الإنسان» در آیه ﴿وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا﴾ شده است. علت این امر آن است که «ناس» واژه‌ای است که بر جماعت مردم دلالت می‌کند و لازمه آن، «نوس» یعنی حرکت می‌باشد (ر.ک؛ عسکری، ۱۴۱۲ق.، ج ۱: ۱۰۱) و چون در این آیه، خروج جماعت مردم به صورت گروهی مد نظر بوده، پس در این آیه، به جای «انسان» از واژه «ناس» استفاده شده است.

۲-۲-۱-۳. حرف به جای جمله

فقط متن سوره‌های قرآنی نیستند که انسجام دارند، بلکه سوره‌های قرآن نیز در پایان با هم منسجم و هماهنگ هستند. این چیزی است که عنوان سوره (الزلزال) به زیبایی بدان اشاره می‌کند. «ال» در واژه «الزلزال» جزء «ال» عهد ذهنی می‌باشد. این «ال» بر اسمی وارد می‌شود که مخاطب پیشینه ذهنی مشخصی از آن در ذهن دارد؛ یعنی قبلاً در باب این

موضوع و معنا با او صحبت شده است و او می داند که اکنون مقصود از این مفهوم چیست. همین دو حرف کوچک نشان از پیوستگی و انسجام آیات قرآنی و به تبع آن، سوره ها می باشد؛ چرا که ما را به نوعی به آیات و سوره های قبل برمی گرداند. خداوند سبحان در سوره های پیشین درباره این موضوع (زلزله) با پیامبرش (ص) بارها صحبت کرده، آن را تبیین کرده است: ﴿يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَّهِيلًا﴾؛ روزی که زمین و کوه ها به لرزه در آیند و کوه ها به سان ریگ روان گردند ﴿الْمَزْمَلُ / ۱۴﴾؛ ﴿إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا﴾؛ چون زمین با تکان [سختی] لرزانده شود ﴿الواقعه / ۴﴾.

این آیات و تمام آیاتی که پیش از سوره زلزال آمده اند و درباره زلزله قیامت صحبت کرده اند، به نوعی همه در همین «ال» جا گرفته اند. در واقع، «ال» در اینجا به جای همه آن آیات آمده است تا بگوید درباره چیز جدیدی صحبت نمی کنیم، بلکه از چیزی سخن می گوئیم که بارها در سوره های قبل درباره آن صحبت شده است.

۳-۱-۳. حذف

حذف، نیابردن واژه، جمله یا بخشی از جمله و یا قسمتی از کلام در متن است، به گونه ای که مخاطب بتواند با توجه به قرائن لفظی و معنوی عنصر یا عناصر محذوف را دریابد (ر.ک؛ امیری خراسانی و علی نژاد، ۱۳۹۴: ۱۵). به دو دلیل حذف سبب انسجام متنی می شود: ۱- تکرار: عنصر محذوف غالباً مشتق از ماده عنصر مذکور، معنا و یا متعلقات است. پس اگر عنصر محذوف در جمله آورده شود، با نام تکرار شناخته می شود. ۲- ارجاع: حذف عنصری از متن بیشتر با توجه به وجود قرینه در متن رخ می دهد. بنابراین، شناخت عنصر محذوف نیازمند رجوع به قرینه است و قرینه، مرجعی برای محذوف قرار می گیرد که ممکن است قبل یا بعد از محذوف باشد (ر.ک؛ فقی، ۲۰۰۰م، ج ۲: ۲۲۹). با توجه به اینکه سوره زلزال از یک بحث مهم و هول انگیز صحبت می کند و آیات متناسب با این امر کوتاه است، عامل انسجام بخش حذف نیز در آن یافت می شود که در اینجا به آن ها می پردازیم.

۱-۳-۱-۳. حذف جمله

﴿يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا *... * يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ﴾

«یومئذ» از «یوم + إذ» ساخته شده است و «إذ» از ادواتی است که در زبان عربی مضاف‌إلیه آن باید جمله باشد که جمله مضاف‌إلیه آن در اینجا حذف شده است و تنوین در «إذ» در واقع، دلالت بر این جمله محذوف می‌کند و جمله‌های محذوف همان آیات پیشین می‌باشد؛ یعنی در همان روزی که زمین به شدت بلرزد و بارهایش را خارج کند، در همان روز اخبارش را نیز بازگو خواهد کرد و در همان روز، مردم گروه‌گروه برای دیدن اعمال خود می‌روند. در واقع، چون آیات از موضوع مهم و ترسناکی سخن می‌گوید، آیات کوتاه، و جملات حذف شده‌اند. بنابراین، حذف موجب می‌شود که خواننده تلاش کند مطالب پیشین را در ذهن خود نگاه دارد و با بخش‌های دیگر متن مرتبط سازد و در نتیجه، خواننده با متن بیشتر درگیر می‌شود و تعامل بین خواننده و متن افزایش می‌یابد (ر.ک؛ امیری خراسانی و علی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۱۵).

۱-۳-۲. حذف صفت

اگر تنوین موجود بر «ذرة» و «خیراً» در آیه ۷ و ۸ را عوض از صفت «صغیراً» بگیریم، پس در اینجا نیز صفت حذف شده است و تنوین به عنوان یک نشانه بر آن دلالت می‌کند.

۲-۳. انسجام واژگانی

انسجام واژگانی را حضور واژه‌های مشابه و مرتبط به وجود می‌آورد. موضوع هر گفته و نوشته، این امر را تأمین می‌کند؛ برای مثال، متکلمی که از آب و هوا حرف می‌زند، به ناچار از کلماتی مانند هوا، هوای گرم، هوای سرد و... استفاده خواهد کرد. صرف وجود این واژه‌ها در متن، انسجامی را به وجود می‌آورد که مخاطب را در فضای اطلاعاتی خاصی قرار می‌دهد (ر.ک؛ صلح‌جو، ۱۳۷۷: ۲۴). انسجام واژگانی متن در دو سطح بررسی می‌شود:

۱. در سطح جمله؛ یعنی واژگان با ارتباط معنایی در یک جمله بررسی می‌شود.
۲. در سطح متن: در این بخش، واژگانی که در بین جملات مختلف در سرتاسر متن با هم رابطه مفهومی دارند، تحلیل می‌شوند. بررسی روابط واژگان در این دو سطح، انسجام متن را نشان می‌دهد (ر.ک؛ علاوی، ۲۰۱۱: ۱۲۷).
- این انسجام به دو صورت تکرار و هم‌آیی صورت می‌گیرد (ر.ک؛ لطفی پور ساعدی، ۱۳۸۵: ۳۲).

۳-۲-۱. تکرار

تکرار به معنی به کارگیری متعدد برخی از عناصر جمله و متن است. تکرار سبب به وجود آمدن شبکه‌ای از روابط بین عناصر متن می‌شود که انسجام متن را به دنبال خواهد داشت. عناصر تکراری در متن، ساختار متن را محکم و جانب دلالتی آن را تقویت می‌کند (ر.ک؛ حلوه، ۲۰۱۲: ۲۰). به علاوه، تکرار کلمات مهم و کلیدی در متن می‌تواند مضمون اصلی متن را بارزتر و فهم آن را آسانتر و سریعتر کند (ر.ک؛ محمد، ۲۰۰۹: ۱۰۵). در سوره زلزال، تکرار را در بخش‌های زیر می‌بینیم.

۳-۲-۱-۱. تکرار لفظی

تکرار لفظی به معنای تکرار یک واژه در متن است که خود به دو دسته «تکرار تام یا محض» و «تکرار جزئی» تقسیم می‌شود.

الف. تکرار تام

تکرا محض و یا تام به معنای تکرار یک واژه در متن بدون هیچ گونه تغییری است (ر.ک؛ عبدالمجید، ۱۹۹۸: ۸۰) که به دو نوع دور و نزدیک تقسیم می‌شود. در تکرار نزدیک، واژگان تکرار شده در مجاور هم یا در یک جمله قرار می‌گیرند و در تکرار دور، واژگان تکراری در جملات مختلف قرار می‌گیرند.

واژه «الأرض» در این سوره دو بار در دو جمله مختلف تکرار شده است و از نوع تکرار لفظی محض دور می باشد. در بخش ارجاع ضمائر نیز دیده شد که «الأرض» ۶ بار مرجع ضمائر واقع شده است و «الأرض» و حوادث مربوط به آن در ۵ آیه اول، محور سوره می باشند. در واقع، تکرار به فهم محور موضوع و تثبیت آن در ذهن خواننده کمک می کند.

واژه «يعمل»، «مثقال» و «ذرة» در آیه ۷ و ۸ تکرار، و موجب منسجم شدن آیات شده است و به تعیین محور سوره در سه آیه آخر کمک می کنند که تکرار این واژگان نیز از نوع تکرار لفظی محض دور می باشد.

ب. تکرار جزئی

گاهی ریشه بعضی از واژگان یکی است و واژه با اندکی تغییر در صیغه تکرار می شود؛ یعنی دو واژه ای که از یک اصل هستند، به دو صورت متفاوت در یک متن به کار روند؛ مانند به کار رفتن «یصبر» و «صابر» در یک متن که ریشه هر دوی آنها، «صبر» می باشد. تکرار به این صورت، تکرار جزئی نامیده می شود (ر.ک؛ عبدالمجید، ۱۹۹۸م: ۸۲).

واژه «زلزال» به صورت اسم و واژه «زلزلت» به صورت فعلی که در آیه اول و واژه «اعمال» و «يعمل» در آیات ۶، ۷ و ۸ به کار رفته اند، تکراری از نوع جزئی دارند:

- ﴿إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا﴾.

- ﴿يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ﴾.

- ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾.

- ﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾.

۲-۱-۲-۳. تکرار معنایی

عبارت است از تکرار معنی با واژگان متفاوت و نه یکسان؛ یعنی یک مفهوم به صورت‌های مختلفی تکرار شود؛ مانند «بکاء» و «ذرف» که هر دو به معنای گریستن، اما در دو شکل متفاوت هستند. این نوع تکرار انواع مختلفی دارد که شامل «شمول معنایی»، «ترادف» و «تضمین» است (ر.ک؛ عبدالمجید، ۱۹۹۸م: ۸۰).

الف. شمول معنایی

شمول معنایی، یعنی مفهوم یک واژه مفاهیم چند واژه دیگر را شامل می‌شود (ر.ک؛ پالمر، ۱۳۷۴: ۱۳۲)؛ به عبارت دیگر، یعنی یک اسم که شامل چندین اسم و زیرمجموعه می‌شود؛ مانند درخت که شامل درخت سیب، درخت پرتقال و... می‌شود. در آیه ۶ سوره زلزال، کلمه «الناس» به کار رفته است و در آیه ۷ و ۸ این واژه به صورت اشخاص نیکوکار و بدکار که نتیجه اعمال خود را خواهند دید، از هم جدا شده‌اند: ﴿يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ * فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ: روزی که مردم گروه گروه می‌روند تا اعمال خود را ببینند. * پس هر که هم‌وزن ذره‌ای نیکی کند، [نتیجه] آن را خواهد دید. * و هر که هم‌وزن ذره‌ای بدی کند، [نتیجه] آن را خواهد دید.﴾

ب. بدل

به نظر می‌رسد که بدل کُل از کُل را نیز می‌توان نوعی از تکرار معنایی در نظر گرفت؛ زیرا همان مبدل منه به صورت جدیدی است. برخی از مفسران، از جمله ابن عاشور آیه ﴿بَانَ رَبِّكَ أَوْحَىٰ لَهَا﴾ را بدل از واژه «اخبار» در آیه ﴿يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا﴾ می‌دانند؛ بدین صورت که ﴿بَانَ رَبِّكَ أَوْحَىٰ لَهَا﴾ به تأویل مصدر رفته است و علت آمدن حرف جرّ «ب» در بدل، تأکید متعدی شدن فعل «تحدّث» با «ب» می‌باشد (ر.ک؛ ابن عاشور، ۱۲۹۳ق.، ج ۳۰: ۴۹۳). سرانجام، مصدر «وحی ربّک» بدل از اخبار می‌باشد و منظور از اخبار، همان «وحی ربّک» است.

ج. تکرار وزن

در نظر هالیدی، تکرار به مفهوم تکرار شدن یک واژه در دو یا چند جمله است. وی آگاهانه از انواع دیگر تکرار، مانند قافیه و تکرار ساخت صرف نظر می‌کند (ر.ک؛ غلامحسین زاده و نوروزی، ۱۳۸۹: ۲۵۱-۲۸۱)؛ زیرا وی به بررسی عوامل انسجام در زبان معیار پرداخته است، اما وزن، قافیه و موسیقی از عوامل سازنده یک متن ادبی است و باید راهی برای بررسی آن‌ها در کنار سایر عوامل انسجامی یافت. ویژگی زبان ادبی، وجود برجسته‌سازی در آن است. فرایند برجسته‌سازی به دو گونه دارد: ۱- قاعده‌افزایی که بر بیرونه زبان عمل می‌کند. ۲- قاعده‌گاهی که بر دروننه زبان عمل می‌کند. نتیجه قاعده‌افزایی چیزی جز شکلی موسیقایی از زبان خودکار نیست (ر.ک؛ صفوی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۳۶) و موسیقی از طریق تکرار کلامی حاصل می‌شود (ر.ک؛ همان، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۵۰). بنابراین، نتیجه قاعده‌افزایی یا همان تکرار منظم، توازن یا موسیقی است. پس می‌توان گفت موسیقی، حاصل تکرار عناصر زبان است. از سوی دیگر، تکرار عوامل یکسان از عوامل مهم انسجام از دیدگاه هالیدی است. پس موسیقی یکی از عوامل مهم انسجام است (ر.ک؛ غلامحسین زاده و نوروزی، ۱۳۸۹: ۲۵۱-۲۸۱). قرآن کریم سطح بالایی از اعجاز ادبی دارد و همین تکرار موسیقی در سوره زلزال نیز به چشم می‌خورد و آیه ۱ و ۲ و آیه ۷ و ۸ از نظر وزنی با هم مطابقت دارند که از آن به عنوان «توازی مبانی» یاد می‌شود. تکرار وزن موجب هماهنگی آیات از نظر موسیقی می‌شود و بر انسجام آن می‌افزاید:

زَلَزَلَتْهَا	الْأَرْضُ	زُلْزِلَتْ	إِذَا			
↓	↓	↓	↓			
أَثْقَالَهَا	الْأَرْضُ	أَخْرَجَتْ	وَ			
يَرَهُ	خَيْرًا	دَرَّةً	مِثْقَالَ	يَعْمَلُ	مَنْ	فَ
↓	↓	↓	↓	↓	↓	↓
يَرَهُ	شَرًّا	دَرَّةً	مِثْقَالَ	يَعْمَلُ	مَنْ	وَ

د. تکرار آوایی

مصوت «آ» در آخر ۵ آیه اول تکرار، و موجب انسجام آیات شده است:

۱. ﴿إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا﴾.
۲. ﴿وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا﴾.
۳. ﴿وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا﴾.
۴. ﴿يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا﴾.
۵. ﴿بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا﴾.

در واقع، ۵ آیه اول سوره درباره یک موضوع صحبت می کنند و آن، زمین و حوادث مربوط به آن در آستانه قیامت است. تکرار مصوت «آ» در این ۵ آیه که وحدت موضوعی دارند، بر انسجام و هماهنگی آن می افزاید، در حالی که در سه آیه بعد که صحبت از انسان و دیدن نتیجه اعمال می شود، سجع هماهنگ با موضوع عوض می شود.

۲-۲-۳. هم آیی

هم آیی، یعنی همنشینی واژگانی که ارتباط قوی بین آنها، آنها را به ترکیب شدن با هم سوق می دهد؛ مانند ارتباطی که بین واژه «نوشیدن» با واژه «آب» وجود دارد. گاهی ارتباط بین دو واژه به اندازه ای قوی است که به محض شنیدن، یک واژه دیگر در ذهن تداعی می شود. این ارتباط قوی نقش بسزایی در انسجام و پیوستگی متن دارد (ر.ک؛ ولی و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۵). باهم آیی به چند دسته تقسیم می شود که به بررسی بخش های به کار رفته در سوره زلزال می پردازیم.

۱-۲-۲-۳. مراعات النظیر

مراعات النظیر، آوردن واژه هایی از یک دسته است که با هم هماهنگی دارند. این هماهنگی می تواند از نظر جنس، نوع، مکان، زمان و یا همراهی باشد. مراعات النظیر سبب تداعی معانی می شود و نقش مهمی در انسجام متن دارد؛ زیرا در آن از مجموعه ای از

کلمات استفاده می‌شود که با یکدیگر هماهنگی و ارتباط معنایی خاصی دارند (ر.ک؛ همان: ۷۶). در سوره زلزال، به زیبایی واژگانی چون «زلزال» و «الأرض» در آیه اول، «تحدت» و «أخبار» در آیه چهارم، «رب» و «أوحی» در آیه پنجم، و «مئقال» و «ذرة» در آیه هفتم و هشتم در کنار هم به کار رفته‌اند که به زیبایی با هم تناسب دارند:

- ﴿إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا﴾.
- ﴿يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا﴾.
- ﴿بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا﴾.
- ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾.
- ﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾.

۲-۲-۲-۳. تضاد

گاهی ارتباط قوی بین دو کلمه متضاد سبب به کار گرفتن آن‌ها در کنار هم می‌شود؛ چراکه بعضی مواقع ارتباط بین آن دو به گونه‌ای است که با شنیدن یکی از آن‌ها، دیگری به ذهن خطور می‌کند؛ همانند ارتباطی که بین دو کلمه متضاد «چپ و راست» و یا «بالا و پایین» وجود دارد (ر.ک؛ همان: ۷۶).

در آیه هفت و هشت سوره زلزال، دو کلمه متضاد «خیر» و «شر» در مقابل هم قرار گرفته‌اند. نکته‌ای دیگر اینکه در قرآن کریم، هر جا واژه «خیر» به کار رفته، نقطه مقابل آن واژه «شر» بوده‌است و این امر علاوه بر دلالت بر انسجام آیات سوره زلزال، بر انسجام تمام سوره‌های قرآن دلالت دارد.

۳-۳. انسجام پیوندی

منظور از انسجام پیوندی، وجود ارتباط معنایی و منطقی میان جملات یک متن است. هالیدی و حسن انسجام پیوندی را به چهار نوع ارتباط اضافی، سببی، تقابلی و زمانی تقسیم کرده‌اند. گاهی روابط معنایی بین جملات یک متن، کاملاً جنبه درونی دارد و

هیچ گونه نماد بیرونی متجلی کننده این روابط نیست و خواننده و دریافت کننده متن تنها با تحلیل و بررسی محتوای جملات به نوع رابطه معنایی و منطقی حاکم میان آن‌ها پی می‌برد و گاهی کلماتی که هر یک در بین اهل زبان به عنوان نمادهای مخصوص رابطه معنایی معینی شناخته شده‌اند، بین جملات متن اضافه می‌شوند که به این نمادها، «نمادهای متنی» گفته می‌شود (ر.ک؛ لطفی پور ساعدی، ۱۳۸۵: ۱۱۴). در واقع، این نمادهای متنی، عوامل ربط هستند و شرط انسجام بخشی این عوامل آن است که در ابتدا یا بین دو جمله مستقل به کار روند. در سوره زلزال، عواملی که ربط هستند و موجب انسجام پیوندی در این سوره شده‌اند، حرف ربط «و» و «ف» می‌باشد:

- ﴿وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا﴾.

- ﴿وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا﴾.

حرف ربط «و» در این دو آیه را می‌توان از نوع ارتباط زمانی در نظر گرفت. ارتباط زمانی هنگامی رخ می‌دهد که نوعی توالی زمانی میان رویدادهای آن دو جمله برقرار باشد (ر.ک؛ یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۵۹)؛ زیرا قبل از این دو آیه و قبل از اینکه زمین بارهایش را خارج کند و انسان با تعجب از حالات زمین پرسد، باید آیه اول، یعنی زمین لرزه رخ دهد. پس حرف ربط «و» در این آیه، علاوه بر ارتباط دادن آیه دو و سه به آیه اول، به نوعی بر یک توالی زمانی دلالت می‌کند. حرف ربط «ف» نیز در آیه ۷ به کار رفته است:

- ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾.

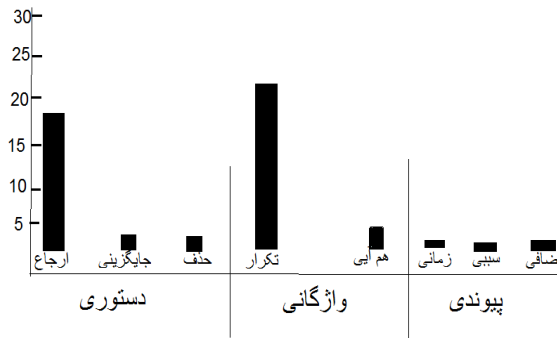
- ﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾.

انسجام حرف ربط «ف» در این آیه، از نوع سببی است؛ ارتباط سببی زمانی رخ می‌دهد که رویداد فعل یک جمله با رویداد دیگر جمله‌ها، ارتباط سببی و علی داشته باشد. این ارتباط شامل روابط علت، نتیجه، هدف و شرط است (ر.ک؛ همان: ۵۹)؛ زیرا «ف» در اینجا نتیجه و هدف را می‌رساند و در واقع، تمام حادثه‌ها و رویدادها رخ می‌دهد تا انسان‌ها به هدف اصلی خود برسند که در واقع، دیدن نتیجه اعمال است. انسجام «و» در

آیه ۸ از نوع انسجام اضافی می باشد. ارتباط اضافی زمانی رخ می دهد که جمله ای مطلبی را به محتوای جمله قبل اضافه کند. این جمله های اضافی می تواند جنبه توضیحی، تمثیلی و مقایسه ای داشته باشد (ر.ک؛ یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۵۹).

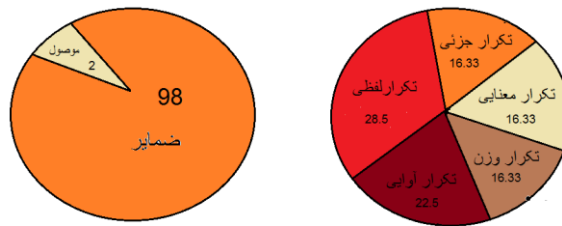
نتیجه گیری

بر اساس بررسی هایی که انجام شد، سوره زلزله که یکی از سوره های کوتاه قرآن است، انسجام بالایی دارد. این انسجام در هر سه سطح دستوری، واژگانی و پیوندی است که سطح واژگانی بیشترین نقش را در انسجام این سوره دارند. عوامل انسجام در این سوره در سطح دستوری، شامل حذف جمله و صفت، ارجاع ضمیر، موصول، جایگزینی اسم جای اسم و حرف جای جمله است. در بخش واژگانی نیز شامل تکرار لفظی تام دور، تکرار جزئی، تکرار معنایی بدل، شمول معنایی، تکرار وزن و آوا، و سرانجام، بخش هم آیی شامل مراعات النظیر و تضاد، و در سطح پیوندی شامل زمانی، سببی و اضافی است. در سطح واژگانی، تکرار بسامد بیشتری نسبت به باهم آیی دارد و در سطح دستوری، ارجاع با به کار رفتن ۱۸ ضمیر و موصول بسامد بیشتری نسبت به حذف و جایگزینی دارد و در سطح دستوری، هر سه بخش زمانی، سببی و اضافی هر کدام یک مورد در این سوره به کار رفته است. ضمائر و تکرار تعیین کننده موضوع و محور سوره بوده که بر اساس آنها، این سوره به دو دسته با دو موضوع تقسیم شده است. ۵ آیه اول به عنوان مقدمه به زمین و حوادث آن در آستانه قیامت می پردازد و سه آیه آخر به عنوان موضوع اصلی به انسان و سرنوشت ابدی او می پردازند. بر اساس این عوامل انسجام، آیات سوره زلزله در غایت انسجام و هماهنگی هستند و روابط تنگاتنگی با هم دارند. هر یک از آیات نیز چنان به درستی در جای خود قرار گرفته اند و چنان هماهنگ هستند که حتی امکان جابه جایی یک آیه با آیه دیگر نیست.



نمودار بسامد عوامل انسجام سوره زلزال

با توجه به اینکه تکرار در بخش واژگانی و ارجاع در بخش دستوری بیشترین بسامد را داشته‌اند، در زیر به نمودار درصدی انواع آن‌ها می‌پردازیم:



منابع و مأخذ

- آقاگل زاده، فردوس و علی افخمی. (۱۳۸۳). «زبان‌شناسی متن و رویکردهای آن». *مجله زبان‌شناسی*. س ۱۹. ش ۱. صص ۸۹-۱۰۳.
- ابن عاشور، محمد. (۱۲۹۳ق.). *التحویر و التنویر*. تونس: الدار التونسیة.
- احمدی، علیرضا و اصلان استواری. (۱۳۹۰). «انسجام متنی ابزاری زبان‌شناسی برای شناخت سبک‌های ادبیات فارسی». *مجله مطالعات زبان بلاغی*. ش ۳. صص ۷-۲۰.

- امیری خراسانی، احمد و حلیمه علی نژاد. (۱۳۹۴). «بررسی عناصر انسجام در نفثة المصدور بر اساس نظریه هالیدی و حسن». *متن پژوهی ادبی*. س ۱۹. ش ۶۳. صص ۷-۳۳.
- باغینی پور، مجید. (۱۳۷۵). «نگاهی گذرا به جنبه‌هایی از سخن کاوی». *مجله زبانشناسی*. س ۱۳. ش ۱ و ۲. صص ۱۴-۲۹.
- پالمر، فرانک. (۱۳۷۴). *نگاهی تازه به معناشناسی*. ترجمه کورش صفوی. تهران: نشر نو.
- حلوه، نوال بنت ابراهیم. (۲۰۱۲م). «اثر التکرار فی التماسک النصی مقاربه معجمیه تطبیقیه فی ضوء مقالات». خالد منیف. ریاض: جامعه الأمیره، نوره بنت عبدالرحمن.
- خوش منش، ابوالفضل. (۱۳۸۹). «بررسی تدوین و انسجام آیات قرآن از منظر شرق شناسان و آیت الله طالقانی». *پژوهشگاه علوم و معارف قرآن کریم*. س ۱. ش ۸. صص ۳۳-۵۰.
- الزناد، الأزهر. (۱۹۹۳م). *نسیج النص (بحث فی ما ینکون به الملفوظ نصا)*. الدار البیضاء: المرکز الثقافی العربی.
- صفوی، کورش. (۱۳۸۱). *از زبانشناسی به ادبیات*. ج ۱. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- _____ (۱۳۸۰). *از زبانشناسی به ادبیات*. ج ۲. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- صلح جو، علی. (۱۳۷۷). *گفتمان و ترجمه*. تهران: مرکز.
- عبدالمجید، جلیل. (۱۹۹۸م). *البدیع بین البلاغه العربیه واللسانیات النصیه*. القاهره: الهیئة المصریة العامه للکتاب.
- عسکری، ابوهلال. (۱۴۱۲ق). *معجم الفروق اللغویة*. قم: مؤسسه نشر الإسلامی.
- علاوی، العید. (۲۰۱۱م). «التماسک النحوی اشکاله وآلیاته؛ دراسة تطبیقیة لنماذج من شعر محمد آل خلیفه». *مجله قراءات*. صص ۱۱۹-۱۴۰.
- عزه شبل، محمد. (۲۰۰۹م). *علم اللغة النص النظرية والتطبيق*. القاهره: مكتبة الآداب.

غلامحسین زاده، غلامحسین و حامد نوروزی. (۱۳۸۹). «نقش تکرار آوایی در انسجام واژگانی شعر عروضی فارسی». *نشر پژوهی ادب فارسی (ادب و زبان)*. ش ۲۷. صص ۲۵۱-۲۸۱.

فقی، صبحی ابراهیم. (۲۰۰۰م). *علم اللغة النصی بین النظرية والتطبيق؛ دراسة تطبيقية على السور المکیة*. القاهرة: دار قباء.

لطفی پور ساعدی، کاظم. (۱۳۷۱). «درآمدی بر سخن کاوی». *مجله زبان‌شناسی*. س ۹. ش ۱. صص ۱۰۹-۱۲۲.

_____ (۱۳۸۵). *درآمدی به اصول و روش ترجمه*. چ ۷. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

مهاجر، مهران و محمد نبوی. (۱۳۷۶). *به سوی زبان‌شناسی شعر: رهیافتی نقش‌گرا*. تهران: نشر مرکز.

یاحقی، محمدجعفر و محمدهادی فلاحی. (۱۳۸۹). «انسجام متنی در غزلیات سعدی و بیدل دهلوی: بررسی و مقایسه ده غزل سعدی و ده غزل بیدل». *نشر پژوهی ادب فارسی (ادب و زبان)*. ش ۲۷. صص ۳۲۷-۳۴۶.

یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۸۳). *گفت‌مان‌شناسی رایج و انتقادی*. تهران: هرمس.
ولیی، یونس، سید محمود میرزایی‌الحسینی و محمد فرهادی. (۱۳۹۵). «عوامل انسجام متنی در سوره نوح». *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*. س ۵. ش ۱. صص ۶۹-۸۶.

